





سرشناسه: موسوی پناه، سیدابراهیم، ۱۳۵۸-
عنوان و نام بدیادآور: حرم در واژه‌ها: واژه‌شناسی حرم مطهر امام رضا(ع) /
نویسنده سیدابراهیم موسوی پناه.

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۱.

فروست: رهنما؛ ۶۶.

شابک: 978-600-6543-47-5

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه .

موضوع: زیارتگاه‌های اسلامی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی .معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

رده بندی کنگره: BP۱۳۹۱۲۶۳۸۴ح/م

رده بندی دیوبی: ۷۶/۳۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۲۷۵۳۰



حرم در واژه‌ها

۶۶ →

واژه‌شناسی حرم مطهر امام رضا(ع)

نویسنده: سیدابراهیم موسوی پناه

آستان قدس رضوی

چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام رضا(ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمد مهدی باقری

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی

طراح جلد: علی بیات





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





حرم در واژه‌ها

واژه‌شناسی حرم مطهر امام رضا علیه السلام

درآمد

آستان، ایوان، بَست، خادم، بُقعه، رَوضه، رِواق، صحن و ده‌ها اصطلاح دیگر از جمله واژه‌هایی است که زائر در حرم رضوی با آن مواجه است که در بسیاری از مواقع معنای آن را نمی‌داند. این نوشتار بر آن است که ضمن تعریف لفظی و اصطلاحی این واژگان، نظری به فلسفه نام‌گذاری آن‌ها داشته باشد.



آرامگاه

این واژه با واژه‌هایی چون موطن، مسکن، جایگاه، قبر، مرقد، مدفن،^۱ بقعه، حرم، روضه، مزار، مشهد، مقبره، مَضْجَع و تربت، از نظر لغوی اندکی تفاوت دارد؛ اما در اصطلاح با آنان هم‌معناست. آرامگاه مکانی است که پیکر پاک امام علیه السلام یا امامزاده یا بزرگی در آنجا دفن شده باشد.

آستان

در لغت به معنی قسمت پیشین اتاقِ متصل به در، درگاه،^۲ ساحت، کفش‌کن، عتبه، آستانه^۳ است. در اماکن مقدسه و نیز حرم مطهر امام رضا علیه السلام به اولین و نزدیک‌ترین ورودی به سمت ضریح مطهر آستان یا آستانه یا عتبه می‌گویند.

مفهوم باطنی درگاه، برخاسته از نقش آن به عنوان معبرِ میان بیرون (پلشت) و درون (قدسی) است. درگاه در آن واحد هم نماد جدایی و هم امکان همبستگی است و وحدت و آشتی.



این امکان همبستگی، وقتی واقعی می‌شود که آن که را که بر آستانه در وارد شده است، بپذیرند و به درون برند؛ اما نماد دوری و جدایی خواهد بود، اگر او بر آستانه بماند و کسی او را نپذیرد.^۴

آستان‌بوسی

اصطلاحی است در زبان ادب و احترام، مترادف تشرّف و به خدمت رسیدن؛ یعنی نزد بزرگی رفتن.^۵

آستان‌بوسی و به عبارتی بوسیدن عتبه و درگاه ورودی به سمت ضریح و مرقد مطهر ائمه علیهم‌السلام از مستحبات و آداب زیارت است. البته نباید فراموش کرد که برخی زائران محترم، علاوه بر بوسیدن عتبه، پیشانی می‌گذارند و سجده می‌کنند. این عمل برای دشمنان و مغرضان به شیعیان، مایه خُرده‌گیری و دسیسه است و افترا می‌بندند که شیعیان بت‌پرست و مشرک‌اند.



آستان قدس رضوی

در لغت به معنی بارگاه پاک و مطهر امام رضا علیه السلام است؛ ولی در اصطلاح و به طور عموم به مجموعه حرم مطهر و دستگاه‌ها و نهادها و ادارات فرهنگی، صنعتی، کشاورزی، درمانی و... می‌گویند که منتسب به حضرت رضا علیه السلام است.

إِزَارَه

آن قسمت از دیوار اطاق یا ایوان که از کف طاقچه تا روی زمین است، إزاره نام دارد.^۶ تعریف دیگر آن این است: بخش زیرین دیوار در داخل و خارج ساختمان که برای تزئین و استحکام، پوششی از سنگ یا کاشی دارد.^۷

ارض اقدس

در اصل به معنی زمین پاک است و در اصطلاح، به مناسبت وقوع مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام در شهر مشهد و خراسان، احتراماً به این سرزمین ارض اقدس می‌گویند.^۸



اسلیمی

اسلیمی نوعی ترکیب نقوش گل و بُتّه پیچ‌درپیچ است.^۹ این طرح از طرح‌های اساسی و قراردادی هنرهای تزئینی ایرانی است و مرکب از پیچ‌وخم‌های متعدد که انواع مختلف آن، با شباهت به عناصر طبیعت مشخص می‌شود.^{۱۰}

چون در دین اسلام، ساختن تصویر انسان و حیوان منع شده بود، در ایران بعد از اسلام، کار ساختن طرح‌های تزئینی دور از طبیعت به تدریج رونق گرفت. سرچشمه این طرح‌ها اشکال طبیعی بود؛ اما با گذشت زمان، جنبه انتزاعی «گل و بوته‌سازی ایرانی» بیشتر شد و خاصیت تزئینی آن فزونی یافت. تشخیص شباهتی که میان برخی از مایه‌های این سبک و اشکال طبیعت وجود دارد، برای ناخبرگان دشوار است. انواع مایه‌ها و نقشه‌های گل و بوته‌سازی ایرانی بی‌شمار است و از جمله می‌توان اسلیمی، ختایی و ترنج را نام برد.^{۱۱}



اسلام در مخالفت با شمایل‌سازیِ بیزانس، اشکال منتزع اسلیمی را به‌وجود آورد که در آن، آیات قرآنی نوشته می‌شود... اسلیمی یکی از فنون هنر اسلامی است و برای اجتناب از بُت‌پرستی به‌وجود آمده است.^{۱۲} به‌گفتهٔ برخی هنرمندان، شباهت طرح اسلیمی با خرطوم فیل از آنجاست که الگوی اصلی آن، سر و خرطوم فیل بوده است. نقاشان قدیم، شاید به‌مناسبت مشابهت طرح‌های اسلیمی با حروف دَرهم کوفی، می‌گفتند که واضع این طرح حضرت علی علیه السلام بوده است. نیز گفته‌اند که نقش اسلیمی در اصل، از خط کوفی استخراج شده و لفظ «اسلیمی» را همان لفظ «اسلامی» دانسته‌اند؛ در مقابل طرح ختایی که با مغول از چین به ایران آمده است. اما حقیقت این است که این طرح از ابتکارات هنرمندان عصر اشکانی و ساسانی و اقتباسی است از پیچ‌وتاب‌های درخت مو.^{۱۳}

ویژگی بارز نقش گیاهی (اسلیمی و ختایی) که در همان لحظهٔ نخست، توجه را به‌خود معطوف می‌کند، تحرک، پیچ‌وتاب، رشد و نمو و نیز زندگی و زاینده‌گی است. طرح از نقطه‌ای



مشخص، شروع می‌شود و با پیچش‌ها و رویش‌های مکرر، یادآور شجره طوبه‌ای است که نشان از گسترش در شرق و غرب و شمال و جنوب عالم دارد: نشانی از گسترش اسلام. نقش گیاهی درعین برخورداری از صورتی گیاه‌وار و آزاد، از نظم دقیق و زیبا پیروی می‌کند. میل به نظم، سبب انتظامات مرکزی، محوری، تقارن و تکرار می‌شود.^{۱۴}

انوار یاران

گروهی دیگر از خدمه که تحت نظارت بخش کفشداری حرم هستند، انوار یاران نام دارند. از وظایف اصلی ایشان، مرتب‌کردن قرآن‌ها و مفاتیح و کتب ادعیه و زیارت‌نامه‌ها، در قفسه‌های ثابت و سیارِ واقع در رواق‌ها و صحن‌هاست. ۱۵۰ انواریار در ۸ کشیک شبانه‌روزی همه قفسه‌های مخصوص کتاب‌ها در حرم رضوی را بررسی می‌کنند و علاوه بر مرتب‌سازی، به رفع کمبود کتب از مخزن (اتاق انوار) و جمع‌آوری کتاب‌های پاره و فرسوده می‌پردازند.^{۱۵} این گروه در محلی به‌نام بیت انوار یاران که قبلاً دارالانوار نام داشت، مجتمع هستند.



ایوان

ایوان یعنی پیشگاه اتاق. بخش مسقفی از ساختمان که جلوی آن باز است و در و پنجره ندارد و مُشرف به حیاط است.^{۱۶}

سابقه این بخش از ساختمان که به قبل از اسلام و به دوره اشکانیان و ساسانیان باز می‌گردد، واسطه میان صحن و درون بناست. این فضای خالص ایرانی، از نظر کارکردی نقش واسطه میان درون و برون، سرما و گرما و نیز نور و تاریکی را بازی می‌کند و این فضا، فضای مکث و بحث مؤمنان بعد از نماز و نیز تماشای صحن و تفکر مؤمن در عالم خلقت است.^{۱۷}

در مجموعه حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) قریب به ۲۳ ایوان وجود دارد که معروف‌ترین آن‌ها، ایوان جنوبی صحن انقلاب به نام ایوان طلای نادری و نیز دو ایوان جنوبی و شمالی مسجد گوهرشاد به نام ایوان مقصوره و ایوان دارالسیاده است.



ایوان مقصوره

این ایوان جلوی مقصوره است و معمولاً گنبدِ خانه بوده و شامل محراب است.^{۱۸} ایوان جنوبی مسجد گوهرشاد نیز به ایوان مقصوره شهرت دارد که منبر معروف به منبر صاحب‌الزمان علیه السلام در آن قرار دارد. (رجوع کنید به: مقصوره)

بست

بستن، گره، جای تحصّن، جایی که مردم به‌هنگام ترس و اتهام، بدانجا پناه می‌بردند تا دستگیر نشوند؛ مانند اماکن مقدس و سرای علما و بزرگان.^{۱۹} هم‌اکنون در حرم مطهر شش بست وجود دارد: بست شیخ طبرسی، به‌سمت خیابان طبرسی؛ بست شیخ طوسی، به‌سمت خیابان شیرازی؛ بست شیخ بهایی، به‌سمت صحن جامع رضوی؛ بست شیخ حرّ عاملی، به‌سمت خیابان نواب صفوی؛ بست خسروی نو، به‌سمت



خیابان خسروی؛ بست امام‌رضا علیه السلام، به سمت فلکۀ آب و خیابان امام‌رضا علیه السلام.

این بست‌ها دیگر آن معنا و کاربرد سابق خود را از دست داده‌اند؛ ولی اکنون مقدمه‌ای هستند برای ورود به حرم مطهر امام‌رضا علیه السلام و روضۀ منوره. زائران عاشق و عارف، در این فاصله و برای پذیرش لطف بیشتر امام، روح خویشان را با ذکر صلوات و استغفار صیقل می‌دهند.

بست بالاخیابان (بست علیا)

در گذشته، به بست شیخ طوسی، علیا می‌گفتند. نهر آبی از جهت غربی حرم مطهر، از سمت خیابان شیرازی و از زیر ایوان ساعت (غربی) صحن انقلاب، به داخل صحن و اطراف سقاخانۀ اسماعیل طلایی در جریان بود و از طریق ایوان شرقی صحن (نقاره‌خانه) به خارج از حرم مطهر، یعنی به سمت خیابان نواب صفوی هدایت می‌شد. لذا آن قسمت‌ها با توجه به شیب زمین و جریان آب از بالا به پایین، به «بالاخیابان» و «پایین خیابان» موسوم شده است. (رجوع کنید به: بست)



بست پایین خیابان (بست سُفلی)

در گذشته به بست شیخ حر عاملی می‌گفتند. (رجوع کنید به: بست و بست بالا خیابان)
بُقه

زمینی که از زمین دیگر، محدود و ممتاز باشد، پاره‌ای از زمین، بنا و مقام،^{۲۰} مزار ائمه علیهم‌السلام و بزرگان دین، مدفن متبرک، قطعه زمینی که زیارتگاهی در آن قرار گرفته باشد.^{۲۱} (رجوع کنید به: آرامگاه)

تالار تشریفات

ساختمان و بنایی مجلل و باشکوه در طبقه فوقانی رواق دارالزهد، برای برگزاری برخی مراسم و پذیرایی از مهمانان ویژه.

تذهیب

تذهیب یعنی زراندود کردن^{۲۲} و طلاکاری.^{۲۳} در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام، گنبد و دو گلدسته



و ایوان جنوبی صحن انقلاب اسلامی، دو گلدسته و ایوان شرقی صحن جمهوری اسلامی و ایوان غربی صحن آزادی به طلای ناب مزین شده است.

تذهیب یکی از هنرهای دیرینه ایرانی و اسلامی است و به مجموعه‌ای از اشکال هندسی و نقوش گیاهی اطلاق می‌شود که به گونه‌ای زیبا و دلنشین و هماهنگ با گردش‌ها و پیچش‌های مکرر و موزون، در کنار هم قرار گرفته باشند. نقش‌های اسلیمی و ختایی دو طرح اصلی هستند که در هنر تذهیب به کار می‌روند. رنگ‌مایه اصلی این نقوش، در کنار عناصر متنوع رنگی دیگر، طلاکاری و زراندود است. (رجوع کنید به: اسلیمی)

ترنج

از طرح‌های قراردادی هنرهای تزئینی ایران^{۲۴} که معمولاً در وسط نقش‌ها به شکل مستطیلی می‌نشینند، ترنج است. ترنج چهار گوشه پیچ‌وخم‌داری است که از ترکیب گل و برگ و طرح‌های اسلیمی ساخته می‌شود.^{۲۵}



از زیباترین آن‌ها، چهار ترنج در اطراف گنبد طلای امام‌رضا علیه السلام است که متن تمجیدات از بنیان مرمت و طلاکاری گنبد را در بر گرفته است.

تولیت

تولیت در لغت به معنی ولایت‌دادن، حاکم‌ساختن و رسیدگی به اموری را به عهده کسی گذاشتن است.^{۲۶} در اصطلاح آستان قدس، کسی است که عهده‌دار و اختیاردار تام امور مربوط به این دستگاه است. از زمان سلطان محمد خدابنده، یعنی از ابتدای قرن هشتم ق تا زمان حاضر، قریب به ۸۶ نفر عهده‌دار تولیت این آستان بوده‌اند.^{۲۷} انتخاب و انتصاب تولیت آستان قدس رضوی، همچون گذشته، بر عهده شخص اول مملکت است.

جار

چراغ‌های بلورینِ چندشاخه که به سقف آویزان می‌کنند^{۲۸} یا همان چهل چراغ‌ها^{۲۹} را جار می‌گویند.



در گذشته، قبل از ورود برق به مشهد و حرم مطهر، به جای جار و لوستر، شمعدان و جاشمعی بود. گویند شاه‌عباس صفوی در اواخر سال ۱۰۰۸ ق، سفری به مشهد کرد و خود، به مراقب و خدمتگزاری آستان رضوی پرداخت. شبی با مقراض (قیچی) سرِ شمع‌ها را می‌گرفت. شیخ‌بهایی بالبداهه این رباعی را سرود:

پیوسته بود ملائک علّین	پروانه شمع روضه خلدآیین
مقراض به احتیاط زن، ای خادم دین	ترسم ببری شهپر جبریل امین ^{۳۰}
در رواق الله‌وردیخان، در جواب رباعی شیخ‌بهایی، این رباعی آمده است:	
جبریل ز عرش آمد و حوران ز نعیم	از بهر طواف شه فردوس حریم
عمداً پر خود بر دم مقراض دهند	شاید که بدین وسیله گردند مقیم ^{۳۱}

حرم

گرداگرد خانه،^{۳۲} داخل خانه، گرداگرد و نیز داخل مکان‌های مقدس، مخصوصاً کعبه



را حرم گویند.^{۳۳} همچنین، به مجموعه روضه منوره، بیوتات، رواق‌ها، بست‌ها و صحن‌های اطراف روضه رضوی، به سبب عمومیت اصطلاح، «حرم» گویند. (رجوع کنید به: آرامگاه حرم به معنی محل اسرار است. در همین مفهوم است که فیلون می‌گوید: «ورود به حرم، رخنه در اسرار الهی است. نام حرم، حریمی محفوظ و دست‌نیافتنی را به ذهن تبادر می‌کند که گنجی حقیقی را در خود محصور کرده است.»^{۳۴})

خادم‌باشی

در گذشته، به سرپرست خادمان می‌گفتند^{۳۵} و اکنون به «سرکشیک» یا «ناظم کشیک» شهرت دارد.

خادم افتخاری

کسی است که در برابر خدمت خود، حقوقی ندارد.

خادم تشریفی

کسی است که در برابر خدمت خود، حقوقی ندارد.



خزانه

خزانه یعنی گنجینه یا جایی که در آن، پول‌ها و اشیای گرانبها را نگهداری می‌کنند.^{۳۶} آنچه در موزه‌های آستان قدس به‌نمایش گذاشته‌اند، درواقع، بخشی از آن چیزهایی است که در خزانه وجود دارد و فضای موزه گنجایش بیش از این را ندارد.

حُفَّاز

حافظ در لغت یعنی نگهدار و نگهبان و نیز قاری قرآن^{۳۷} و از برکننده آن.^{۳۸} جمع آن حُفَّاز است. حُفَّاز به خادمی می‌گویند که صبح و شب، بعد از نماز، مراسم صفا و خطبه را با حضور حافظان و با قرائت قرآن مجید برگزار می‌کنند. هم‌اکنون ۶۰ نفر از حفاظ، این وظایف را انجام می‌دهند.^{۳۹}



خاتم کاری

هنر آراستن سطح اشیا، به صورتی شبیه موزاییک و با مثلث‌های کوچک، به خاتم کاری مشهور است. طرح‌های گوناگون خاتم همواره به صورت اشکال منظم هندسی بوده است. این اشکال هندسی را با قراردادن مثلث‌های کوچک در کنار هم، نقش‌بندی می‌کنند. مثلث‌ها را از انواع چوب و فلز و استخوان می‌سازند. هرچه مثلث‌ها ریزتر و ظریف‌تر باشند، خاتم مرغوب‌تر است.^{۴۰} یکی از خاتم کاری‌های بسیار زیبا، در قسمت داخلی و سقف ضریح فعلی امام رضا علیه السلام خودنمایی می‌کند؛ با هنرمندی کشتی‌آرای شیرازی.

خادم

خادمی درگاه حضرت رضا علیه السلام آرزوی هر زائر عاشقی است. نزدیک به هشت هزار نفر خادم در هشت کشیک افتخار خدمت به زائران حضرتش را دارند. بیش از نیمی از ایشان، به صورت



افتخاری، از اقشار مختلف اعم از روحانی، استاد دانشگاه، مهندس، پزشک، کاسب و عموم مردم به این مهم مشغول‌اند.

وظایف خدام از این قرار است: غبارروبی؛ شست‌وشو و تطهیر رواق‌ها و روضه منوره، براساس برنامه‌های تنظیم‌شده؛ اجرای مراسم گل‌آرایی بالای ضریح؛ انجام وظیفه در مقابل درهای ورودی حرم طهر و رواق‌ها و روضه منوره، باز و بسته کردن درهای حرم مطهر توسط سرکشیک یا در غیاب وی، توسط معاون کشیک؛ شرکت به‌موقع در مراسم خطبه خوانی شب‌شهادت امام رضا (علیه السلام) و شب عاشورا و شام‌غریبان.^{۴۱}

ختایی (خطایی)

ختایی به معنای اهل ختاست یا آنچه در سرزمین ختا، در چین، ساخته می‌شد.^{۴۲} یکی از طرح‌های اساسی و قراردادی هنرهای تزئینی ایرانی که در قالی و کاشی و تذهیب^{۴۳} و از ترکیب گل‌وبرگ‌های دور از طبیعت ساخته می‌شود. این طرح ظاهراً با مغول



از چین به ایران آمده است. طراحان برای ایجاد هماهنگی در نقشه ختایی، از میان هزاران نوع گل و برگ و غنچه ختایی، معمولاً دو تا شش نوع گل، دو یا سه نوع غنچه و سه یا چهار نوع برگ انتخاب می‌کنند و به سلیقه خود، آن‌ها را با هم می‌آمیزند. اساس نقشه ختایی عبارت از خطوط منحنی موزونی است که هریک از آن‌ها، «بند» نام دارد. مجموعه این بندها، مانند استخوان‌بند، سرتاسر نقشه را فرا می‌گیرد.^{۴۴} (رجوع کنید به: اسلیمی)

خُطبه

کلامی است در ستایش خداوند عَزَّوَجَلَّ و تمجیدِ نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام و موعظه خلق.^{۴۵} در اصطلاح آستان قدس، مراسمی است که در شب عاشورا و شب شهادت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در صحن انقلاب اسلامی برگزار می‌شود.

دارالتّولیه

در گذشته، به خانه متولّی و سرپرست آستان قدس و نیز اداره‌های آستان، دارالتّولیه



می‌گفتند^{۴۶} و اکنون به «اداره مرکزی آستان قدس» شهرت دارد.

دربان

نگهبان^{۴۷} و حافظ و نگهبان در^{۴۸} را دربان گویند. در حال حاضر، حضرت رضا علیه السلام حدود ۱۵۰۰ نفر دربان رسمی، رسمی غیرموروئی، افتخاری، تشرّفی و ویژه دارند که در هشت کشیک خدمت می‌کنند. حفظ نظافت و طهارت صحن‌ها، حفظ نظم و آرامش در صحن‌ها، راهنمایی زائران، غبارروبی صحن‌ها براساس برنامه تنظیم‌شده، برف‌روبی صحن‌ها و بام حرم و نیز انجام وظیفه در ایوان‌ها با در دست داشتن عصای مخصوص، به‌عهده دربانان است.^{۴۹}

دربان‌باشی

به سرپرست دربانان در گذشته دربان‌باشی می‌گفتند.^{۵۰} (رجوع کنید به: دربان)

راهنمای زائر

راهنمای زائر مجموعه‌ای از دفاتر و کیوسک‌هایی است که در ورودی‌های حرم مطهر و نیز در



ایستگاه راه‌آهن و فرودگاه و پایانه مسافربری، واقع‌اند و این وظایف را به‌دوش دارند: راهنمایی و دادن اطلاعات لازم به زائران محترم برای آرامش و سهولت در تشریف و زیارت مرقد منور امام‌رضا علیه‌السلام و نیز راهنمایی مسیرهای ورود و خروج به صحن‌ها و رواق‌ها و هدایت گمشدگان به محل اقامتشان.

رواق

رواق یعنی پیشگاه خانه یا بنا، ایوانی که در مرتبه دوم ساخته شود و نیز سایبان.^{۵۱} به تعبیری، فضاهای مسقف در اماکن مقدس، همچون حرم ائمه اطهار علیهم‌السلام را که بیشتر کاربرد عبادی و فرهنگی دارد، رواق گویند. در حرم مطهر امام‌رضا علیه‌السلام ۲۸ رواق وجود دارد که قدیمی‌ترین آن، رواق دارالحفاظ است؛ بزرگ‌ترین آن، رواق امام‌خمینی رحمته‌الله و کوچک‌ترین آن، رواق دارالعزه.

رَوْضه

در لغت به معنی باغ، بهشت، قبر.^{۵۲} در وجه نامگذاری مدفن ائمه اطهار علیهم‌السلام به «رَوْضه»



وجود برخی احادیث در این باب است؛ مانند فرمایش رسول خدا ﷺ: «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْقَبْرَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّيِّرَانِ فَمَهْدُوهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ» (= و بدانید به‌درستی که قبر، باغی است از باغ‌های بهشت یا گودالی است از گودال‌های آتش. پس آن‌را با اعمال صالح، خوابگاه و آرامگاه خود قرار دهید).^{۵۳}

یا فرمایش امام رضا علیه السلام: «أَنَّهُ قَالَ أَنَّ بَجْرَاسَانَ لَبُقْعَةُ يَأْتِي عَلَيْهَا زَمَانٌ تَصِيرُ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ فَلَا يَزَالُ فَوْجٌ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ فَوْجٌ يَصْعَدُ إِلَى أَنْ يَنْفَخَ فِي الصُّورِ» فَقِيلَ لَهُ: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ آيَةُ بُقْعَةٍ هَذِهِ؟» قَالَ: «هِيَ بَارِضُ طَوْسٍ وَ هِيَ وَاللَّهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ...» (= «به‌راستی، در خراسان بقعه‌ای است که در زمان آینده، محل رفت‌وآمد فرشتگان خواهد شد. پیاپی، فوجی از آسمان فرود آیند و فوجی بالا روند تا در صور بدمند.» به حضرت عرض شد: «یا بن رسول الله، آن کدام بقعه است؟» فرمود: «زمین طوس است و آن به‌خدا باغی است از باغ‌های بهشت.»)^{۵۴}



روضه رضویه

در لغت، به معنی باغ رضوی است و در اصطلاح، به مجموعه حرم مطهر و به ویژه، مکان اصلی دفن حضرت که منسوب به امام رضا علیه السلام است، روضه رضویه گویند.

روضه مقدسه (روضه منوره)

در لغت، به معنی باغ پاک و مقدس است و در اصطلاح، به مجموعه حرم مطهر و به ویژه مکان اصلی دفن حضرت که منسوب به امام رضا علیه السلام است، گویند.

زیارت

زیارت یعنی دیدار کردن، بازدید کردن، به مشاهد متبرک و بقعه‌ها رفتن. نیز، به دعایی که به عنوان تشریف باطنی برای ائمه و امامزاده‌ها و اولیا علیهم السلام می‌خوانند، زیارت گویند.^{۵۵}

ساعت آفتابی

ساعت آفتابی یا شاخص آفتابی، وسیله اندازه‌گیری وقت است و از آن، در عهد باستان



استفاده می‌کرده‌اند. در این ساعت، سایه متحرک یک میله یا شاخص فلزی، بر روی صفحه‌ای مستوی یا سطحی استوانه‌ای می‌افتد و از طریق تغییرات طول و ارتفاع سایه، وقت را نشان می‌دهد؛ مثلاً شاخص با حرکت خورشید تغییر می‌کند و در نتیجه، تغییرات زمان را نشان می‌دهد.^{۵۶}

در حرم مطهر امام‌رضا (علیه السلام)، در وسط صحن جمهوری، چنین ساعتی وجود دارد که علاوه بر اعلام ظهر دقیق شرعی، قبله شهر مشهد مقدس را نیز نشان می‌دهد.

سرداب

سرداب اتاقی زیرزمینی است که کاربردهایی متفاوت داشته است: استفاده از خنکی آن در تابستان و حفظ غذاها و نوشیدنی‌ها و نیز آرامگاه و محل دفن مردگان.^{۵۷} سرداب مقدس امام‌رضا (علیه السلام) مدفن اصلی حضرت است که اکنون، در طبقه زیرین و به فاصله تقریبی سه متر از کف روضه منوره قرار دارد.



سقاخانه

سقاخانه جایی است که در آنجا برای تشنگان آب ذخیره می‌کنند و نوعاً آن را متبرک می‌دانند.^{۵۸} این بنا را شیعیان به یاد شهادت امام حسین علیه السلام و از جهت ثواب، بنا کرده‌اند. در گذشته، دیوار سقاخانه‌ها آراسته به کاشی‌های زیبای آبی و نیز تصویری از ابا الفضل العباس علیه السلام بود که بر کاشی و بر پیکر سقاخانه نقش بسته بود. در زیر بیشتر سقاخانه‌ها، آب انباری وجود داشت که آب سقاخانه را تأمین می‌کرد.^{۵۹} در حرم مطهر امام رضا علیه السلام سه سقاخانه، به شکل هشت ضلعی، در صحن‌های انقلاب و قدس و جمهوری قرار دارد. معروف‌ترین و قدیمی‌ترین سقاخانه نیز در صحن انقلاب است؛ به نام سقاخانه اسماعیل طلایی.

سنگاب

ظرف بسیار بزرگی است که از پاره‌سنگی تراشیده شده و در حیات مساجد و تکایا



برای آشامیدن آب و شربت و گاه برای جمع نذورات و صدقات از آن استفاده می‌کردند.^{۶۰} هم‌اکنون، یکی از قدیمی‌ترین سنگاب‌ها به نام سنگاب خوارزمشاهی در موزه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است.

شبستان

در لغت به معنی خوابگاه است.^{۶۱} آن قسمت از مسجد که از هیچ طرفی باز نیست و ورود و خروج به آن از طریق درها صورت می‌گیرد، شبستان نام دارد؛ چون در شب‌های سرد، نماز جماعت را در آنجا می‌خوانند.^{۶۲} به‌طور کلی، هر فضای مسقف دارای ستون‌های مرتب‌شده به ردیف‌های موازی که یک طرف آن به صحن مسجد باز می‌شود، شبستان خوانده می‌شود و مکان اصلی مسجد نیز هست.^{۶۳}

در حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) و در چهار گوشه مسجد گوهرشاد، هفت شبستان وجود دارد که اقامه نماز جماعت و برخی مراسم و سخنرانی‌ها در برخی از آن‌ها برگزار است.



شمسه

هر تصویر مدوّر و منقش را شمسّه گویند. نیز، آنچه از فلز به شکل خورشید می‌سازند و بالای قُبّه و مانند آن، نصب می‌کنند، شمسّه نام دارد.^{۶۴} به عبارتی، نوعی طرح ستاره‌ای یا خورشیدمانند و نزدیک به دایره در هنرهای تزئینی، مثل کاشی‌کاری، گچ‌بری، نجاری، کتابت و امثال آن‌هاست.^{۶۵} این نوع تصاویر در اطراف ضریح مقدس حضرت مشهود است.

صحن

صحن یعنی عرصه، فضا، میان‌سرای و ساحت آن،^{۶۶} میدان.^{۶۷} به تعبیری، فضاهای غیرمسقف و روباز را صحن گویند. در حرم مطهر امام‌رضا (علیه السلام) چند صحن وجود دارد که قدیمی‌ترین آن‌ها، صحن انقلاب یا همان صحن کهنه یا صحن عتیق است؛ بزرگ‌ترین آن‌ها، صحن جامع رضوی است و کوچک‌ترین آن‌ها، صحن قدس.



صُفّه

ایوان مسقف و شاه‌نشین را صُفّه نامند. غرفه‌مانندی در درون اتاق بزرگ یا مساجد جامع که کف آن کمی بلندتر است و بزرگان در آن می‌نشینند.^{۶۸}

صندوق

جعبهٔ بزرگ فلزی یا چوبی را صندوق می‌گویند.^{۶۹} این جعبه، مکعبی چوبین یا خاتم است که بر روی قبر امام یا امامزاده یا برخی بزرگان می‌نهند و گرداگرد آن، آیات یا اشعار می‌نویسند.^{۷۰} بنا به نقل تاریخ، اولین صندوقی که بر مزار حضرت رضا قرار گرفت، مربوط به اوایل قرن ششم هجری است و آخرین آن، مربوط به سال ۱۳۱۱ ش.

ضریح

در لغت عرب، ضریح به معنایی اعم از آنچه امروز متداول است، به کار می‌رود: کاربرد



آن در معنای «الشق فی وسط القبر» یعنی شکاف میان قبر. همچنین، «القبر کله» یعنی همه قبر شایع است.^{۷۱} اینکه گفته‌اند «کل ما شق فقد ضُرح»، یعنی هرچه شکافته شود.^{۷۲} نیز، ضریح یعنی قبر،^{۷۳} قبر بی‌لحد.^{۷۴}

در اصطلاح، ضریح یعنی خانه چوبین و مشبک یا از مس و نقره و جز آن، که بر سر قبر امام یا امامزاده‌ای می‌سازند.

بنا بر شواهد تاریخی، آغاز نصب ضریح به معنای اصطلاحی آن، بر مزار امام رضا (علیه السلام) از دوره صفویه و در زمان شاه طهماسب صفوی بوده است؛ دومین آن، در دوره افشاریه؛ سومین آن، در دوره قاجاریه؛ چهارمین آن، در سال ۱۳۳۸ ش با طراحی مرحوم ابوالحسن حافظیان و پنجمین آن در سال ۱۳۷۹ ش با طراحی استاد محمود فرشچیان.

عنبرسوز (عودسوز)



در حرم مطهر، برخی خدام، در ظرفی که در دست دارند، عنبر و اسفند و گندُر دود می‌دهند و فضای رواق‌ها و صحن‌ها را معطر می‌کنند.

فراشان

صیغۀ مبالغۀ فرش، فراش است؛ به معنی آن که فرش و بساط می‌گستراند، یعنی جاروب‌کش و در کل، مأمور تنظیف.^{۷۵}

فراشان، خدای هستند که وظیفۀ آنان حفظ نظافت و طهارت و غبارروبی رواق‌ها، حفظ نظم و آرامش و تقسیم گل‌های بالای ضریح بین زائران است. علاوه بر این، ارائه راهنمایی‌های لازم به زائران و برفروبی حرم و بیوتات برعهده فراشان است. فراشان در مراسم خطبۀ صبح، رواق‌های دارالسّیاده یا دارالحکمه را برای مراسم آماده می‌کنند و در هنگام برگزاری مراسم صفه و خطبه، مراقبت بر حفظ نظم و زمان را برعهده دارند. تنظیم لوح و لاله و قرآن برای اجرای مراسم صفۀ صبح و شام و هدایت زائران در رواق‌های



دارالحفاظ و دارالسلام را هم انجام می‌دهند.^{۷۶}

فراش‌باشی

در گذشته، به سرپرست فراشان می‌گفتند.^{۷۷} (رجوع کنید به: خادم‌باشی و فراشان)

قُبّه

برآمدگی هر چیز را قُبّه می‌گویند.^{۷۸} نیز، به‌معنی سقف برجسته و مدور است و با گنبد،

مترادف. در اصطلاح، بارگاهی را گویند که بر فراز آن، گنبدی است.^{۷۹}

قلم‌زنی (هنر کندن نقوش بر اشیای فلزی)

شیوه کار قلم‌زنی بدین‌صورت است: نقاش، طرحی مخصوص قلم‌زنی می‌سازد و آن را به

قلم‌زن می‌دهد. قلم‌زن خطوط نقشه را با ابزار نوک‌تیزی به‌نام سُنْبِه، سوراخ‌سوراخ می‌کند

سپس، آن را بر فلزی می‌گذارد و گرد زغالی را که در پارچه‌ای نازک پیچیده است، بر آن

می‌افشاند. گرد زغال، از سوراخ‌های کاغذ می‌گذرد و بر فلز نقش می‌بندد و بدین‌گونه نقشه



بر روی فلز منتقل می‌شود. آن‌گاه، قلم‌زن با ابزارهای گوناگون به‌مدد چکش، خطوط اصلی طرح را بر زمینه فلز، نقش می‌کند. سپس با ابزار مخصوص، متن نقشه را گود می‌برد و موج‌دار یا «آجین» می‌سازد. در نتیجه، گل‌ها و اسلیمی‌های نقشه، بالا می‌مانند. آن‌گاه با قلم‌های ریزودرشت فولادین، آن‌ها را حالت و ساخت‌وساز می‌دهد.^{۸۰}

قلم‌زنی ضریح کنونی حضرت را استاد خدادادزاده اصفهانی انجام داده است.

قندیل

چراغ یا شمعدان یا چراغی که از سقف می‌آویزند.^{۸۱} (رجوع کنید به: جار)

قوس

برای پوشاندن سقف‌ها و سردرگاه‌ها با مصالحی نظیر خاک و آجر و خشت، چنانچه پوشش با این‌ها همراه باشد، مقاومت و تحمل بار در بنا چندبرابر می‌شود و توانایی آن‌را دارد که دهانه‌های بزرگ را بپوشاند. این پدیده در معماری سنتی به «قوس» یا «دور» معروف



است. اگر از قوس استفاده نشود، با مصالحی مانند خشت و آجر نمی‌توان چنین دهانه‌هایی را پوشش زد.^{۸۲}

کاشی مُعَرَّق

کاشی مُعَرَّق یا کاشی تراشیده،^{۸۳} نوعی کاشی است که از قطعات مختلف ریزریز ساخته شده است. آن‌ها را برحسب نقش مدنظر می‌برند و کنار هم قرار می‌دهند^{۸۴} و از این نظر، به آن کاشی موزاییک نیز می‌گویند.^{۸۵}

برای ساختن کاشی مُعَرَّق، استاد کاشی‌تراش اجزای گل‌وبته‌های طرحی را که قبلاً طراح بر روی کاغذ کشیده است، پس از شماره‌گذاری، با قیچی تکه‌تکه می‌کند. سپس، تکه‌ها را برحسب رنگ آن‌ها دسته‌بندی می‌کند و بر خشت‌های لعاب‌دار ساده‌ای که به‌رنگ‌های گوناگون قبلاً فراهم شده است، وارونه می‌چسباند و هریک از آن‌ها را جداگانه می‌تراشد. آن‌گاه، بر سطحی صاف و تراز، اجزای خرد تراشیده را



برحسب شماره‌های آن‌ها، از پشت با هم تلفیق می‌کند. سپس، بر پشت این اجزای برزمین‌چیده، دوغابِ گچ می‌ریزد تا اجزا در کنار هم مستقر شوند و به‌شکل لوحه‌ای درآیند. پس از خشک‌شدن دوغاب، لوحه را بر می‌دارد و بر دیوار نصب می‌کند. پس از نصب لوحه‌ها، کاغذهای چسبیده را پاک می‌کند و طرح اصلی نقاش به‌شکل کاشی مُعَرَّق ظاهر می‌شود.

در کاشی‌کاری مُعَرَّق، رنگ‌های متنوعی به‌کار می‌رود که در بین آن‌ها، رنگ‌های سفید، آبی تیره، فیروزه‌ای، سبز و پرتقالی بیشتر به‌چشم می‌خورد.^{۸۶} نمونه این نوع کاشی‌ها در سرتاسر حرم مطهر، به‌ویژه در مسجد گوهرشاد، به‌وفور یافت می‌شود.

کاشی هفت‌رنگ (کاشی خِشتی)

روی کاشی هفت‌رنگ، به رنگ‌های مختلف نقاشی می‌کنند.^{۸۷} این شیوه کاشی‌آرایی در دوره حکومت شاه‌عباس رواج یافت و جانشین کاشی‌های مُعَرَّق شد. این کاشی از تلفیق



خشت‌های ظریف لعاب‌داری ساخته می‌شود که هریک از آن‌ها، قسمی از طرح کلی را بر خود دارد. این نوع کاشی، کاشی خِشتی نیز نام دارد.^{۸۸}

برای ساختن کاشی هفت‌رنگ، نخست خِشت‌های آن‌را از گل رُس قالب می‌زنند و «خام پخت» (بدون لعاب پختن) می‌کنند. سپس، لعاب سفید بر آن‌ها می‌زنند و باز در کوره می‌گذارند. آن‌گاه، نقاش کاشی، طرحی را که از پیش، به‌دست طراح آماده شده است، به رنگ‌های غلیظی که استادکار کاشی‌ساز فراهم کرده، بر آن‌ها نقش می‌زند. استاد کاشی‌ساز خشت‌های شماره‌دار را در کوره می‌گذارد و وقتی پخته شدند، آن‌ها را به‌دست بنا می‌دهد تا برحسب شماره‌ها، به دیوار نصبشان کند. رنگ‌های زرد و نارنجی روشن از جمله رنگ‌های متداول این‌گونه کاشی‌هاست.^{۸۹}

کتیبه

کتیبه در لغت، یعنی نوشته‌ی قسمت زَبَرین (بالای) دیواری که به آجر یا سنگ یا نقوش



زینت شده باشد.^{۹۰} همچنین، کتیبه نوشته‌ای است که بر سردر و روی دیوار بناهای نظیر کاخ‌ها، مساجد، اماکن متبرّکه و... یا بر بدنه کوه، به خطوط مختلف می‌نویسند.^{۹۱}

زندگی مسلمانان آمیخته و عجین با کلام الهی است. یکی از مراکز تجلی این آمیختگی، کتیبه‌های قرآنی است که سراسر مساجد را فراگرفته‌اند. در ساخت این کتیبه‌ها، سایر هنرهای مسلمین همچون خطاطی، کاشی‌کاری، گچ‌بری و... در حد اعلای خود به خدمت گرفته شده‌اند. احاطه‌شدن ورودی‌ها و طاق‌ها با این کتیبه‌ها، نشانی است از لزوم تمسک به قرآن مجید در هر حرکت و عبوری؛ و نشانه‌ای است از تذکر به مسلمین و نیز نشان آمیختگی زندگی مسلمین با قرآن کریم. این، هنر کتیبه‌نگاری است که فضا را از روح قرآن و کلام الهی سرشار می‌کند و محیط صامت و فضای ساکن اطراف را هویت و معنی می‌بخشد.^{۹۲}

در حرم مطهر امام‌رضا^{علیه السلام} کتیبه‌های بسیاری وجود دارد. شاید مهم‌ترین و معروف‌ترین آن‌ها کتیبه‌ای است در جلوی ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد، به نام کتیبه بایسنغری. بایسنغرمیرزا، فرزند



گوهرشاد خاتون، در دوره‌ای از تاریخ، هم حاکم بود و هم خطاطی زبردست.

گرنا

آلتی است بادی و بلند که صدای آن بَم است و چون سوراخ ندارد با انگشتان نواخته نمی‌شود و از این رو فقط برای دَم دادن به کار می‌رود.^{۹۳} این وسیله یکی از آلات نقاره نوازی در حرم مطهر رضوی است.

کشیک

کشیک یعنی پاسبان، نگهبان و نوبت‌دار.^{۹۴} در اصطلاح آستان قدس، به زمان و مکان معین‌شده‌ای که خدام در آنجا خدمت می‌کنند، کشیک می‌گویند.

کشیک‌خانه

محلی که کشیک‌چیان در آن اقامت می‌کنند.^{۹۵}



کفشداران

بیش از ۱۸۰۰ نفر کفشدار در کفشداری‌های ثابت و سیار و اتاق انوار، در دو نوبت ۱۲ ساعته و ۸ کشیک، از کفش‌های زائران نگهداری می‌کنند. پذیرش کفش‌های زائران با نهایت ادب و احترام، حفظ نظافت و طهارت محدوده کفشداری محل خدمت، حفظ نظم و آرامش در محل کفشداری، ارائه راهنمایی‌های لازم به زائران و همچنین، نگهداری و مرتب کردن قرآن، مفاتیح و کتب ادعیه در مکان‌های مخصوص خود، وظایفی است که کفشداران با افتخار انجام می‌دهند.^{۹۶}

گره (گره‌سازی)

به هم‌پیچیدگی نخ و ریسمان را گره نامند. گره یعنی بند.^{۹۷}

در اصطلاح معماری، اشکال و تزئینات هندسی که در گچ‌بری، کاشی‌کاری، آینه‌کاری



و منبت‌کاری کاربردی دارد، به گره معروف است. گره به شطرنج معماران معروف شده است. هریک از این اشکال هندسی، نام خاصی دارد: شمسه، برگ چناری، ترنج، ماکو، پابزی، سُرْمه‌دان، پنج‌شُل، نیم‌شمسه و پنج‌کُند.^{۹۸}

گره‌سازی انواع و زمینه‌های گوناگون دارد؛ چنان‌که گفته‌اند ۷۲ بطن دارد و از درون یکدیگر، توانایی زایش و به‌وجود آمدن گره‌های نو وجود دارد.^{۹۹}

گلدسته

مأذنه.^{۱۰۰} (رجوع کنید به: مناره)

گنبد

گنبد ساختمانی تقریباً به شکل نیم‌گِره است که از خشت و آجر و گچ و... بر فراز عمارتی می‌سازند و مترادف است با قُبّه.^{۱۰۱}

گنبد، تجلی مفهوم آسمان است: آسمان به‌طور نمادین به فضای مسقف مساجد متصل



می‌شد. اتصال گنبد به فضای مربع زیرین، نمادی از اتصال آسمان به زمین و ناسوت به لاهوت است و نیز بیان معمارانه این امر است که در اسلام، عالم ماده و معنی با هم و در اتصال باهم‌اند.^{۱۰۲}

از آنجا که گنبد نماد آسمان است، گنبد معابد، مقابر، مساجد بزرگ، تالارهای غسل تعمید، تالارهای مجالس ترحیم و قُبّه‌های کوچک اغلب به صورت تصاویر آسمان، فرشتگان، ستاره‌ها و پرندگان، ارابه خورشید و غیره، مُرَصَّع یا زینت می‌شوند. این تزئینات بنا را به صورت آسمانی در کل کائنات عرضه می‌کنند. گنبد که اغلب بر پایه‌ای مربع قرار می‌گیرد، خطوط منحنی و خطوط مستقیم پایه را به هم می‌آمیزد و نماد وحدت آسمان و زمین است.^{۱۰۳}

در حرم مطهر امام رضا (علیه السلام)، پنج گنبد به اشکال و ابعاد گوناگون وجود دارد که چشم هر بیننده‌ای را متوجه خود می‌کند: گنبد طلا که سابقه ساخت آن به دوره



سلجوقیان می‌رسد، گنبد فیروزه‌ای مسجد گوهرشاد، گنبد مسی الله‌وردیخان در کنار گنبد طلا، دو گنبد مدرسه دو درب (دارالقرآن الکریم) که از سمت صحن جمهوری می‌توان آن‌ها را دید.

لوتر

لوتر به چراغ بلوری یا فلزی چندشاخه‌ای می‌گویند که آن را به سقف اتاق یا مساجد یا حرم ائمه علیهم‌السلام می‌آویزند.^{۱۰۴} (رجوع کنید به: جار)

متولی

دارای ولایت، ولایت داده‌شده،^{۱۰۵} سرپرست.^{۱۰۶} (رجوع کنید به: تولیت)

محراب

محراب، در لغت، به معنی صدر اتاق و شاه‌نشین است و در اصطلاح، جایی است در مسجد که امام، در آنجا نماز می‌گذارد.^{۱۰۷}



برخی دانشمندان لغت‌شناس گفته‌اند: محراب مسجد را از آن‌رو محراب نامیده‌اند که محل جنگ و ستیز امام جماعت با شیطان و هوای نفس است. برخی بر آن‌اند که محراب را از آن‌رو محراب گفته‌اند که انسان باید در آنجا «حریب» باشد؛ یعنی، عاری از اشتغالات دنیوی و پریشانی فکر و اندیشه. عده‌ای معتقدند محراب در اصل به معنای صدر مجلس در خانه است؛ سپس صدر مسجد را هم محراب نامیده‌اند. گروهی، برعکس، بر آن‌اند که محراب در اصل درباره صدر مسجد به کار رفته است؛ سپس صدر اتاق را هم محراب نامیده‌اند.^{۱۰۸}

ویژگی‌های محراب بسیار خاص است:

۱. فرورفته است و لذا «در» و محل عبور را تداعی و به نمازگزار القا می‌کند که جهت حرکت و مسیر عبور معنوی کجاست. این عنصر، عامل هم‌جهت‌کننده مسلمین در اقصی نقاط عالم به سمت کعبه به عنوان عامل اصلی وحدت آن‌هاست؛
۲. از قوس و طاقی در رأس خود بهره می‌گیرد؛ با مشابهت به گنبد که خود تمثیلی است



از کلیّت مسجد: به این معنی که کلّ مسجد و همهّ ویژگی‌های آن در محراب خلاصه می‌شود؛
۳. محراب اغلب احاطه‌شده در آیات قرآنی به خط خوش است. می‌توان فریادش را شنید
که برای وصول به حضرتش و عبور از «در» و «یکی شدن» جامعهّ مسلمین، راهی به جز عمل
به آیات قرآن نیست.^{۱۰۹}

مَدْفَن

جای دفن کردن^{۱۱۰} کسی یا چیزی.^{۱۱۱} (رجوع کنید به: آرامگاه)

مُرَّصَع

مرّصع یعنی منظم‌کننده و ترتیب‌دهنده،^{۱۱۲} آنچه در آن جواهر نشانده باشند،
جواهرنشان.^{۱۱۳} نمونه‌ای از ضریح جواهرنشان که متعلق به دورهّ افشاریه است، در موزه
مرکزی آستان قدس قرار دارد.



مزار

مرقد، جای زیارت کردن،^{۱۱۴} زیارتگاه، قبر، آرامگاه.^{۱۱۵} (رجوع کنید به: آرامگاه)

مسجد

مسجد به معنی محل سجده است و به مکانی مسجد می‌گویند که مسلمانان در آن، عبادات خویش و مهم‌ترین آن‌ها نماز را به جای می‌آورند.

از دیدگاه نمادگرایی، مسجد، نماد حضرت حق و پیشگاه ربوبیت است: حضرت عظیم و عالی که بنده حقیر در حرکتی نمادین، در کمال فروتنی و خضوع، ناچیزی و حقارت خود را به سجده می‌افتد و در خاک می‌نشیند.

گویاترین کلامی که کیفیات روحانی و مادی این مکان عظیم را تجسمی لطیف می‌بخشد، حدیث حضرت صادق علیه السلام است.^{۱۱۶} ایشان در آداب ورود به مسجد می‌فرمایند:



«هرگاه به در مسجد رسیدی، متوجه باش که درگاه پادشاهی عظیم را اراده کرده‌ای که بر بساط او جز پاکان قدم نمی‌نهند و همنشینی او برای کسی میسر نیست، مگر برای راست‌گویان و درست‌کاران. پس، هنگام ورود به پیشگاه باعظمت پادشاه، در چگونگی رفتار و گفتار مراقب باش و در برابر هیبت و جلال حضرتش خود را حفظ کن و متوجه باش که در صورت کوتاهی کردن و تخلف از ایفای وظایف و آداب و رفتار، در معرض خطر بزرگی قرار داری...»^{۱۱۷}

در حرم مطهر امام رضا علیه السلام آنچه قطعی است این است که دو مسجد وجود دارد: یکی مسجد بالاسر، متصل به بالاسر مبارک حضرت، بنا شده در اوایل قرن پنجم هجری و دیگری مسجد گوهرشاد، ساخته شده در اوایل قرن نهم.



مشهد

معانی مشهد از این قرار است: مقبره، تربت، قبر، روضه، محل شهادت،^{۱۱۸} مدفن شهید، محل حضور مردم، جای حاضرآمدن.^{۱۱۹} همان‌گونه که در تاریخ هم آمده است، امام‌رضا علیه السلام در روستایی به‌نام سناباد (نام قدیم مشهد) به شهادت رسیدند. از آنجا که محل شهادت و مدفن حضرت در این محل بوده است، به‌مرور زمان، به مشهدالرضا و بعد از مدتی به مشهد معروف شد.

مَضَجَع

خوابگاه، قبر، آرامگاه.^{۱۲۰} (رجوع کنید به: آرامگاه)

مقام

مقام یعنی منزلت، مرتبه، درجه، اقامت‌کردن، توقف‌کردن، منزل‌کردن،^{۱۲۱} محل



اقامت.^{۱۲۲} با آغاز حرکت و هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه به سمت خراسان، حضرت برای استراحت یا اقامه نماز یا ایراد کلام، توقف‌هایی کردند. محبان و شیعیان حضرت، از سر تبرک و تقدس، قدمگاه‌ها و بناهایی را در آن توقف‌گاه‌ها ساختند که برخی از آن‌ها به نام مقام امام معروف شد.

مقبره

محل دفن، عمارتی که روی قبر سازند.^{۱۲۳} (رجوع کنید به: آرامگاه)

مُقَرَّنَس

آنچه به شکل نردبان و پله‌پله می‌سازند،^{۱۲۴} قطاربندی.^{۱۲۵} مقرنس گچ‌بری‌های برجسته‌ای است که طاق و اطراف آن، پایه‌پایه و دارای اضلاع است و آن را به فارسی، آهوپای گویند. همچنین، عمارتی است که آن را به صورت قُرْناس ساخته باشند و قُرْناس به معنی دماغه و بینی کوه است.



یکی از عناصر تزئینی معماری که در زیباساختن بناهای ایرانی به‌خصوص مساجد و مقبره‌ها نقش مهمی دارد، مقرنس کاری است. مقرنس به آنچه به‌شکل نردبان و پله‌پله ساخته شده باشد، می‌گویند که مانند آویزه‌هایی قندیل‌مانند در زیر گنبدها یا نیم‌گنبدهای روی ایوان‌ها و درگاه‌ها، با آجر یا گچ و کاشی می‌سازند. همچنین، مقرنس به کوه‌هایی با رگه‌های افقی می‌گویند که خاک‌های زیرسنگ‌هایش خالی شده باشد.^{۱۲۶}

نمونه‌ای از مقرنس گچ، در سقف ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد و مقرنس آینه در سقف رواق دارالزهد نمایان است.

مُقَرَّن

فرورفته، گود، عمق‌دار.^{۱۲۷}

مقصوره

مقصوره به این معانی است: حجره کوچک،^{۱۲۸} خانه کوچک، سرای حصاردار، جای



ایستادن امام و خلیفه در مسجد.^{۱۲۹}

مقصوره از نظر شکل، عبارت است از فضایی محصور و مربع‌شکل در درون مسجد و در مجاورت محراب. دیواره‌های آن ممکن است از مصالح بنا باشد؛ ولی مشبک‌های فلزی یا چوبی متداول‌تر است. کارکرد این دیواره‌ها این است که شخص درون مقصوره را از سایر نمازگزاران جدا سازد؛ ولی به او اجازه دیدن نماز و مشارکت در آن را بدهد. برای این جدایی می‌توان دلایل متعددی ارائه کرد: یکی از آن‌ها میل بی‌پرده به پیروی از رویه بیزانسی و جادادن امپراطور در اتاقکی سلطنتی موسوم به کثیسم (Kathisma) و در نتیجه، تأکید بر رتبه والا و جدایی ضروری وی از دیگران است.

دلیل دیگر آن را می‌توان فراهم آوردن مکانی برای عبادت شخص حاکم ذکر کرد. علت سوم، به احتمال، ترس از سوءقصد به جان خلیفه بود.^{۱۳۰} معاویه نخستین کس در اسلام بود که مقصوره ساخت. وی را زخمی زدند و او از آن جان به‌در برد؛ لذا برای محافظت خود



مقصوره ساخت. ۱۳۱

ریشه و خاستگاه مقصوره هرچه باشد، جای کمترین تردیدی در نوع کارکرد نمادین آن وجود ندارد. درواقع، مقصوره تجلیل به چشم‌آمدنی مقام و منزلت حاکم و لذا بخش جدایی‌ناپذیری از عنصر دنیوی مسجد جامع اسلامی و بیانگر ارتباط نزدیک آن با شکوه و تشریفات سلطنتی بود.

تاریخ بعدی مقصوره، حکایت از ضعیف و کم‌رنگ‌شدن این ارتباط دارد: به‌صورتی که این کلمه برای اشاره به بخشی از مسجد که برای ادای نمازهای جماعت، در مقابل نماز فرادا کنار گذاشته می‌شد، تغییر کاربردی داد و با چنین مفهومی، شکل آن دچار تغییری اساسی شد. از قرن یازدهم میلادی به‌بعد، به‌ویژه در شرق اسلامی، مقصوره‌ها به‌شکل گنبدخانه‌های بزرگی که در شبستان مسجد ترکیب شده بودند، رو به‌ازدیاد گذاشتند. ۱۳۲



مناره

مناره در اصل، به معنی چراغ پایه است و جای اذان گفتن یا گلدسته^{۱۳۳} و نیز محل نور و روشنایی.^{۱۳۴} در اصطلاح، بنایی است بلند و باریک که در کنار مساجد و بقعه‌های متبرک برای اذان‌گویی یا به عنوان میل راهنما در کنار جاده‌ها، مساجد، کاروان‌سراها، مدارس و دارالضیافه‌ها احداث می‌کردند. به علت روشن نمودن چراغ یا آتش بر فراز آن، برای راهنمایی در شب، به مناره (محل نور) موسوم شد.

اهمیت مناره‌ها و میل‌ها هنگامی بر همگان روشن می‌شود که قافله‌ای، خسته و کوفته و با نگرانی و تشویش، در کنار کوره‌راه‌ها و جاده‌ها، در دل کویر و صحاری سوزان، نگاهش در پی یافتن راهنمایی به این سو و آن سو می‌دود تا دل را به رسیدن به مقصد امیدوار سازد؛ یا هنگامی که عاشقان خداجوی را صدای مؤذن و آوای ملکوتی اسلام، هر نیمه‌شب و ظهر و شامگاه، از



فراز مناره‌های سربه‌فلک‌کشیده، همچون ندای آسمانی، به عبادت فرا می‌خواند و آنان را از بستر گرم و آسودگی تن یا کار روزانه، به مساجد می‌کشاند تا بدان‌ها آسودگی روح و روان بخشد. این امر نشان می‌دهد که این پیرانِ پای‌درخاک چه رسالت مهمی بر دوش دارند.^{۱۳۵}

مناره عنصر دعوت‌کننده، نشانهٔ عروج و عضو مسلط بر کالبد شهر است. مناره یادآور جملات اذان است که خود، نشانهٔ منحصربه‌فرد اسلام است؛ درواقع، هم نمادی بصری است، هم متذکری شنیداری و هم سمبلی کالبدی از حرکت، عروج و اشاره به آسمان. مناره را می‌توان نماد اساسی‌ترین حالت نمازگزار، یعنی قیام، نامید.^{۱۳۶}

در حرم مطهر امام‌رضا (علیه‌السلام) دوازده مناره وجود دارد که قدیمی‌ترین آن در صحن انقلاب، در مجاورت گنبد طلاست و بلندترین آن، در ایوان جنوبی صحن جامع رضوی.

منبت‌کاری

هنر درج نقوشی برجسته، به‌شکل گل و گیاه و... روی چوب.^{۱۳۷}



موزه

موزه مکانی است که مجموعه بزرگی از آثار باستانی و صنعتی و چیزهای گران بها را در آن به معرض نمایش می‌گذارند و هنرمندان از آن استفاده می‌کنند.^{۱۳۸} در موزه‌ها، تاریخ و گذشته انسان‌ها و حیوانات و اشیا به تصویر کشیده شده است. زائران و عاشقان امام رضا علیه السلام و همچنین امرا، سلاطین و سرداران مؤمن، در گذشته‌های دور، همواره هدایا و نذوراتی به بارگاه مقدس حضرت تقدیم می‌کردند. موزه‌های آستان قدس رضوی، نزدیک به یازده گنجینه تخصصی در خود جای داده است: گنجینه قرآن و نفایس خطی، گنجینه هدایای مقام معظم رهبری، گنجینه تمبر و اسکناس، گنجینه تاریخ مشهد، گنجینه سکه و مدال، گنجینه صدف و حلزون و نرم‌تنان دریایی، گنجینه نجوم و ساعت، گنجینه سلاح، گنجینه هنرهای تجسمی، گنجینه ظروف چینی و گنجینه فرش.^{۱۳۹}



ناظم

سامان‌دهنده و نظم‌دهنده و ترتیب‌دهنده، ناظم است.^{۱۴۰} در اصطلاح آستان قدس، ناظم کسی است که مسئول سامان‌دادن و هماهنگ کردن خدام، برای انجام‌دادن وظایف محول‌شده است. ناظم را سرکشیک هم می‌گویند.

نقاره

نقاره در لغت به معنی نوبت است.^{۱۴۱} نیز، به معنی دو طبل کوچک متصل به هم است: یکی بزرگ‌تر که صدایش بم‌تر است و یکی کوچک‌تر با صدای زیرتر.^{۱۴۲}

نقاره‌خانه

محلی واقع در بلندی که از آن هر صبح، قبل از طلوع آفتاب و هر شام، قبل از غروب خورشید، دهل و کوس و کرنا و نقاره و... می‌نوازند.^{۱۴۳} و پایان یافتن وقت شرعی را برای زائران



اعلام می‌کنند. نقاره‌خانه در بالای ایوان شرقی صحن انقلاب واقع است.

هشتی

محوطه‌ای به شکل کثیرالاضلاع (در اصل هشت‌ضلعی) یا مدور که بین کوچه و خیابان و در ورودی به حیاط می‌ساختند و در دو سوی آن، سکوها و نیمکت‌هایی برای نشستن افراد می‌گذاشتند.^{۱۴۴}

یساول

یساول در لغت یعنی جلودار و پیش‌قراول^{۱۴۵} و در اصطلاح، به خُدای گویند که در ورودی صحن‌ها حضور دارند و نگهبان در هستند و معمولاً عصایی نقره‌کوب به دست دارند. (رجوع کنید به: دربانان)



پاورقی

۱. فرهنگ فارسی دهخدا.
۲. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۳. فرهنگ فارسی دهخدا.
۴. فرهنگ نمادهای ج ۳، ص ۲۰۴.
۵. فرهنگ فارسی دهخدا.
۶. فرهنگ فارسی دهخدا.
۷. فرهنگ‌نامه واژگان معماری سنتی.
۸. راهنمای تاریخ آستان قدس رضوی.
۹. فرهنگ فارسی دهخدا.
۱۰. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۱۱. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.
۱۲. فرهنگ نمادهای ج ۱، ص ۱۸۳.
۱۳. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.
۱۴. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد:

گذشته، حال، آینده؛ ج ۱، ص ۲۷۵، مقاله محمدهادی عرفان،
«سلسله مطالعاتی پیرامون معماری مسجد».

۱۵. راهنمای جامع اماکن متبرکه، ص ۶۰.

۱۶. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۷. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد:

گذشته، حال، آینده؛ ج ۱، ص ۲۸۲، مقاله محمدهادی عرفان،
«سلسله مطالعاتی پیرامون معماری مسجد».

۱۸. فرهنگ‌نامه واژگان معماری سنتی.

۱۹. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۲۰. فرهنگ فارسی دهخدا.

۲۱. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۲۲. فرهنگ فارسی دهخدا.

۲۳. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۲۴. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۲۵. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.

۲۶. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۲۷. راهنمای تاریخ آستان قدس رضوی.



۲۸. فرهنگ فارسی دهخدا.
۲۹. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۳۰. زندگانی حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، ص ۱۹۰.
۳۱. معارف رضویه، ص ۲۱۸.
۳۲. فرهنگ فارسی دهخدا.
۳۳. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۳۴. فرهنگ نمادهای ج ۳، ص ۱۰.
۳۵. راهنمای تاریخ آستان قدس رضوی.
۳۶. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۳۷. فرهنگ فارسی دهخدا.
۳۸. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۳۹. راهنمای جامع اماکن متبرکه، ص ۵۹.
۴۰. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.
۴۱. راهنمای جامع اماکن متبرکه، ص ۵۹.
۴۲. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۴۳. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۴۴. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.
۴۵. فرهنگ فارسی دهخدا.
۴۶. راهنمای تاریخ آستان قدس رضوی.
۴۷. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۴۸. فرهنگ فارسی دهخدا.
۴۹. راهنمای جامع اماکن متبرکه، ص ۶۰.
۵۰. راهنمای تاریخ آستان قدس رضوی.
۵۱. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۵۲. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۵۳. ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۷۵.
۵۴. امالی شیخ صدوق، مجلس پانزدهم، ص ۶۳.
۵۵. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.
۵۶. فرهنگ نمادهای ج ۳، ص ۵۰۵.
۵۷. فرهنگ‌نامه‌ی واژگان معماری سنتی.
۵۸. فرهنگ‌نامه‌ی واژگان معماری سنتی.
۵۹. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.
۶۰. فرهنگ‌نامه‌ی واژگان معماری سنتی.



۶۱. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۶۲. فرهنگ فارسی دهخدا.

۶۳. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده؛ ج ۱، ص ۱۲۳، مقاله مهندس سیدبهشید حسینی، «چیستی‌شناسی نظام شکل».

۶۴. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۶۵. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.

۶۶. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۶۷. فرهنگ فارسی دهخدا.

۶۸. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۶۹. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۷۰. فرهنگ فارسی دهخدا.

۷۱. لسان العرب، ج ۲، ص ۵۲۶، ماده ضرح.

۷۲. در ضیافت ضریح، ص ۱۶.

۷۳. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۷۴. فرهنگ فارسی دهخدا.

۷۵. فرهنگ فارسی دهخدا.

۷۶. راهنمای جامع اماکن متبرکه، ص ۵۹.

۷۷. راهنمای تاریخ آستان قدس رضوی.

۷۸. فرهنگ فارسی دهخدا.

۷۹. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۸۰. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.

۸۱. فرهنگ‌نامه واژگان معماری سنتی.

۸۲. احیای هنرهای از یادرفته، ص ۳.

۸۳. فرهنگ فارسی دهخدا.

۸۴. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۸۵. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.

۸۶. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.

۸۷. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۸۸. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.

۸۹. فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران.

۹۰. فرهنگ فارسی دهخدا.

۹۱. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۹۲. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد:



گذشته، حال، آینده؛ ج ۲، ص ۱۳۴، مقاله دکتر محمد نقی‌زاده، «مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی».

۹۳. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۹۴. فرهنگ فارسی دهخدا.

۹۵. فرهنگ‌نامهٔ واژگان معماری سنتی.

۹۶. راهنمای جامع اماکن متبرکه، ص ۶۰.

۹۷. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۹۸. فرهنگ‌نامهٔ واژگان معماری سنتی.

۹۹. احیای هنرهای از یادرفته، ص ۱۴۱.

۱۰۰. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۰۱. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۰۲. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی

معماری مساجد؛ افق آینده؛ ج ۲، ص ۴۴۵، مقاله حسن ستاری ساربانقلی، «تجلی عرفان، نور و رنگ در معماری مساجد».

۱۰۳. فرهنگ نمادهای ج ۴، ص ۷۵۳.

۱۰۴. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۰۵. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۰۶. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۰۷. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۰۸. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد:

گذشته، حال، آینده؛ ج ۲، ص ۲۶۸، مقاله رحیم نوبهار، معماری مسجد از دیدگاه متون دینی.

۱۰۹. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد:

گذشته، حال، آینده؛ ج ۲، ص ۱۳۳، مقاله دکتر محمد نقی‌زاده، «مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی».

۱۱۰. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۱۱. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۱۲. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۱۳. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۱۴. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۱۵. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۱۶. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی

معماری مساجد؛ افق آینده؛ ج ۲، ص ۵۴۷، مقاله دکتر محمد علی‌آبادی، «تجسم معمارانه وحدت الگوهای رفتاری شریعت در



کثرت و گوناگونی فرم‌ها».

۱۱۷. مصباح‌الشریعه، باب ۱۲.

۱۱۸. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۱۹. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۲۰. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۲۱. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۲۲. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۲۳. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۲۴. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۲۵. فرهنگ‌نامهٔ واژگان معماری سنتی.

۱۲۶. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۲۷. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۲۸. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۲۹. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۳۰. معماری اسلامی، ص ۴۹.

۱۳۱. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۳۲. معماری اسلامی، ص ۵۰.

۱۳۳. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۳۴. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۳۵. معماری ایران دورهٔ اسلامی، ص ۳۲۲.

۱۳۶. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد:

گذشته، حال، آینده؛ ج ۲، ص ۱۳۲، مقالهٔ دکتر محمد نقی‌زاده،

«مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی».

۱۳۷. فرهنگ مصوّر اصطلاحات هنر ایران.

۱۳۸. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۳۹. راهنمای جامع اماکن متبرکه، ص ۴۳.

۱۴۰. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۴۱. فرهنگ فارسی دهخدا.

۱۴۲. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۴۳. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۴۴. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.

۱۴۵. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.



کتابنامه

۱. مفید، حسین و مهناز رئیس‌زاده، احیای هنرهای از یادرفته: مبانی معماری سنتی در ایران، به‌روایت استاد حسین لوزاده، چ ۲، تهران: مولا، تهران، ۱۳۸۴.
۲. دیلمی، شیخ‌حسن، ارشادالقلوب الی الصواب، ترجمه سیدعباس طباطبایی، قم: شریف رضی، چ ۱، ۱۴۱۲.
۳. شیخ‌صدوق، امالی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، چ ۵، بیروت، ۱۴۰۰.
۴. شمس، صادق، جلوه‌هایی از هنر معماری ایران‌زمین، تهران: علم و دانش و نوآوران دانشگاه پارسه، ۱۳۸۸.
۵. بنی‌هاشمی، محمد و سعید مقدس، در ضیافت ضریح: پژوهشی درباره زیارت اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، تهران: منیر، تهران، ۱۳۸۵.
۶. راهنمای جامع اماکن متبر که حرم مطهر حضرت رضا (علیه‌السلام)، روابط عمومی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۷. مؤتمن، علی، راهنمای تاریخ آستان قدس رضوی.
۸. عمادزاده، حسین، زندگانی حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام)، چ ۲، تهران: محمد.
۹. شوالیه، ژان و آلن گربران، فرهنگ نمادها: اساطیر، رؤیاها، رسوم و...، چ ۱ و ۳ و ۴، ترجمه و تحقیق: سودابه فضایی، تهران: جیحون، ۱۳۸۵.
۱۰. فرهنگ لغت فارسی دهخدا.
۱۱. فرهنگ لغت فارسی دکتر محمد معین.



۱۲. ریاضی، محمدرضا، فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۵.
۱۳. مهدی‌زاده، مهدی، فرهنگ‌نامه‌ی واژگان معماری سنتی و کاربرد آن در زبان و ادبیات فارسی، مشهد: سخن‌گستر، چ ۱، ۱۳۸۴.
۱۴. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد: افق آینده، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۸۰.
۱۵. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده، ج ۱ و ۲، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۷۸.
۱۶. مظفری معارف، حسن، معارف رضویه.
۱۷. هیلن‌براند، رابرت، معماری اسلامی؛ شکل، کارکرد و معنی، ترجمه‌ی دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه، ۱۳۸۰.
۱۸. کیانی، محمدیوسف، معماری ایران؛ دوره‌ی اسلامی، چ ۵، تهران: سمت، ۱۳۸۶.

ضمائم



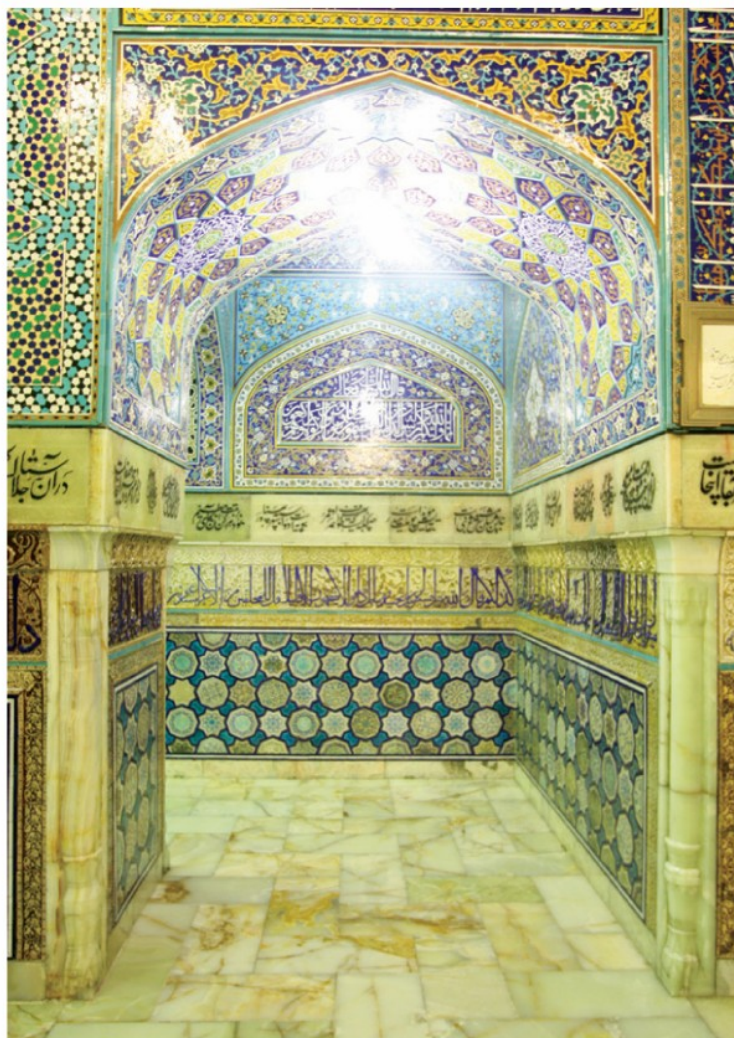
آرامگاه



آستان بوسی



اسلیمی



ازاره



۷۱

حرم دروازه‌ها



ایوان



انوار یاران



ایوان مقصوره



۷۳

گرم دروازه‌ها



بست پایین خیابان



بست بالاخیابان



۷۵

حرم دروازه‌ها



قُبّه



تالار تشریفات



تذهیب





جار



تولیت

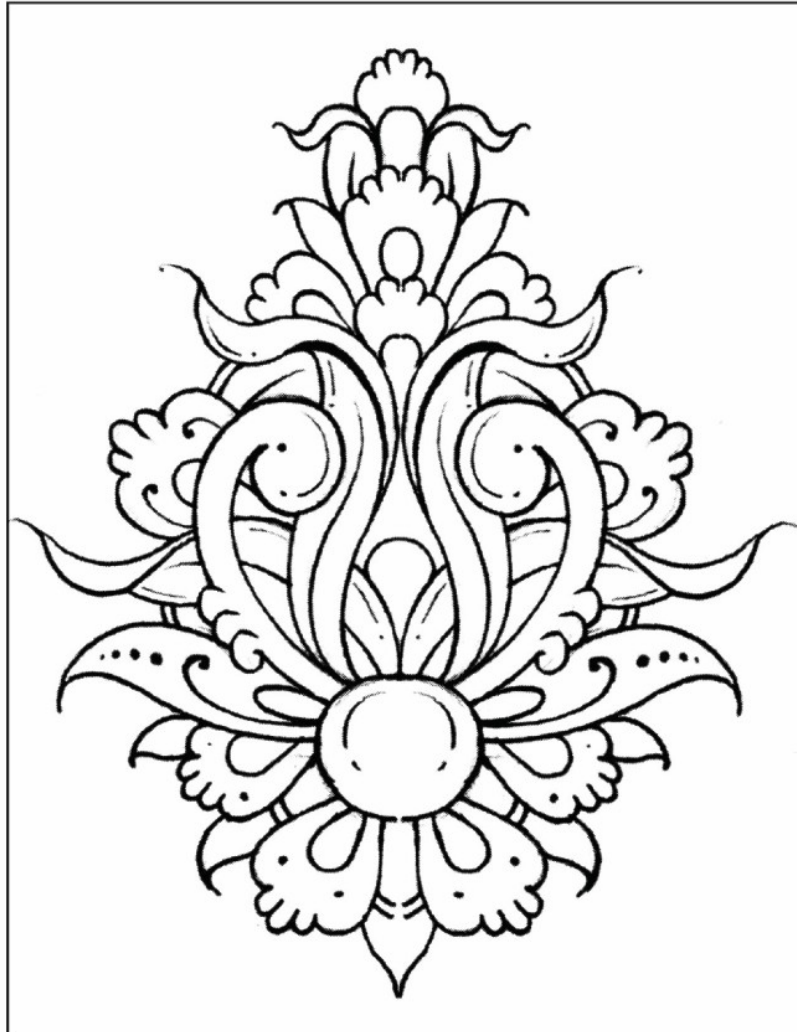




خادم، خادم باشی، خادم افتخاری، خادم تشریفاتی



حُفاظ



ختایی



خاتم کاری



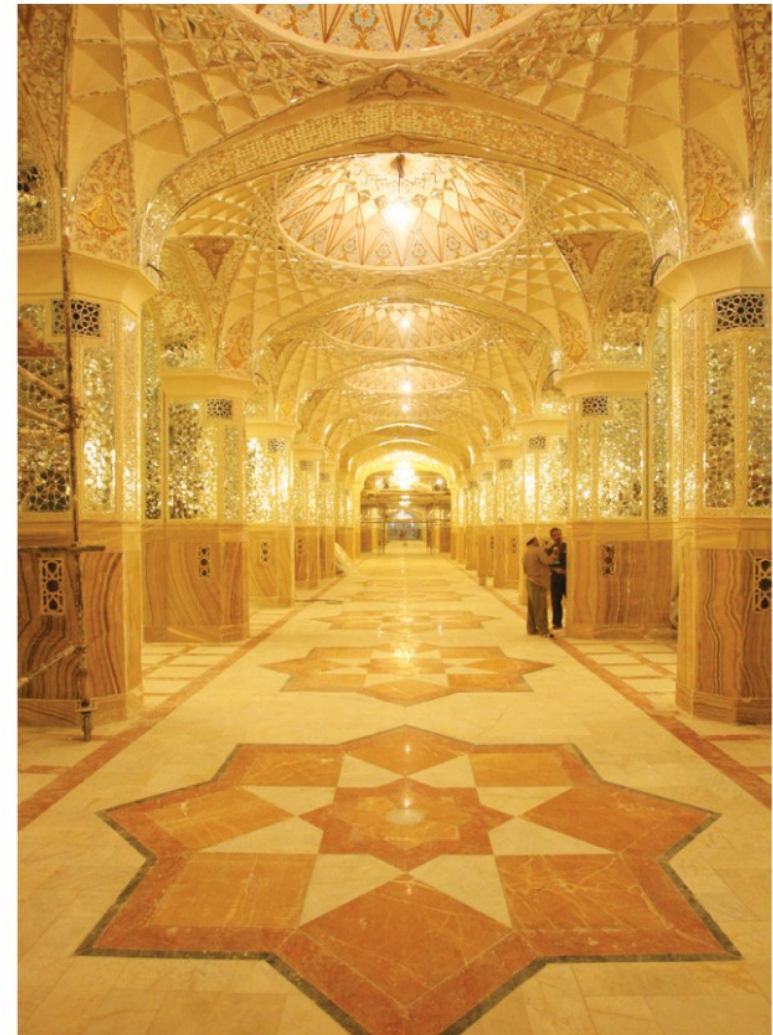


۸۵

حرم دروازه‌ها



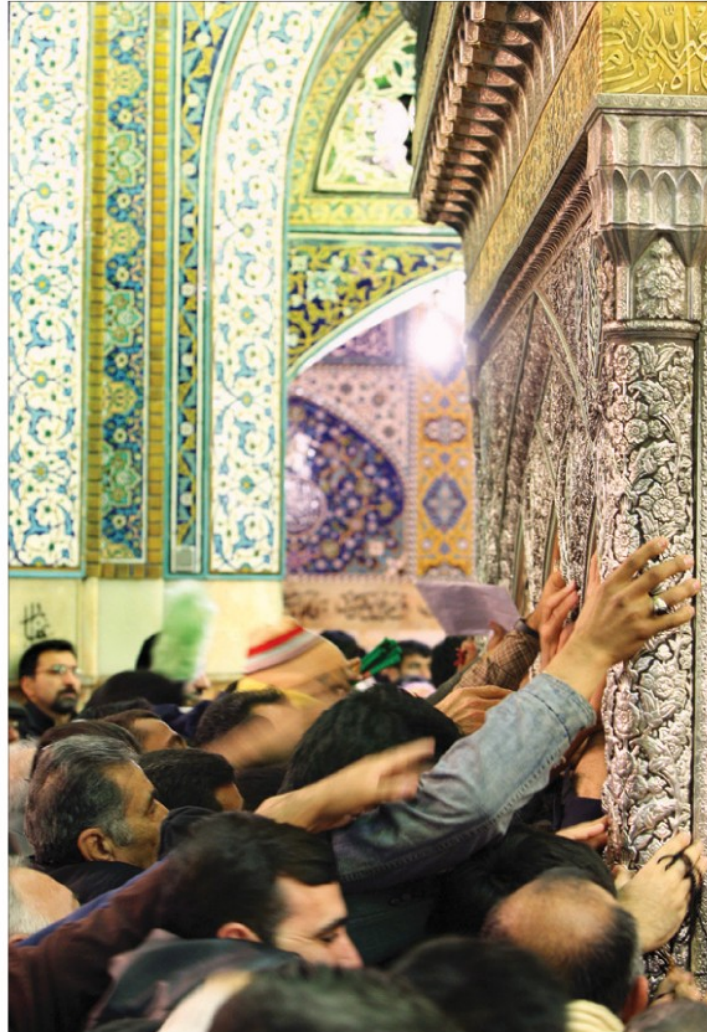
راهنمای زائر



رواق



روضه رضویه (روضه منوره)



زیارت



ساعت آفتابی



سنگاب



شمسه



۸۹

گرم در واژه‌ها



شبستان





صفه



صندوق



ضريح



فراشان، فراش‌باشی



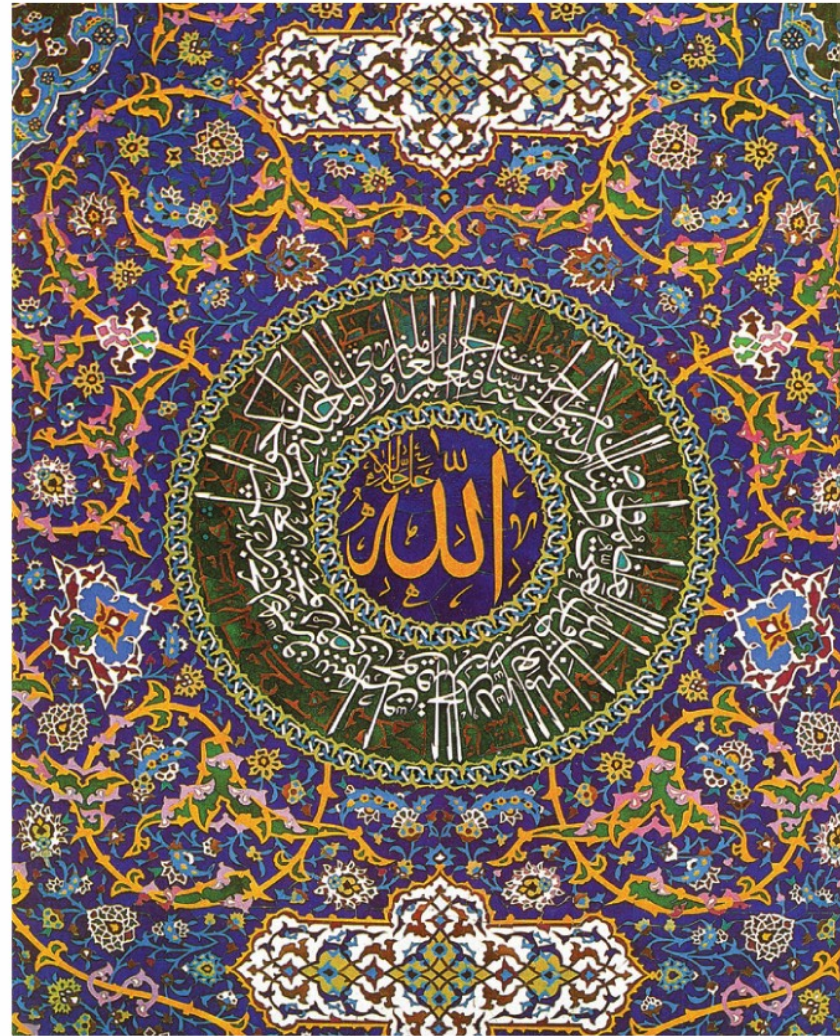
عنبرسوز



قلم‌زنی



قوس



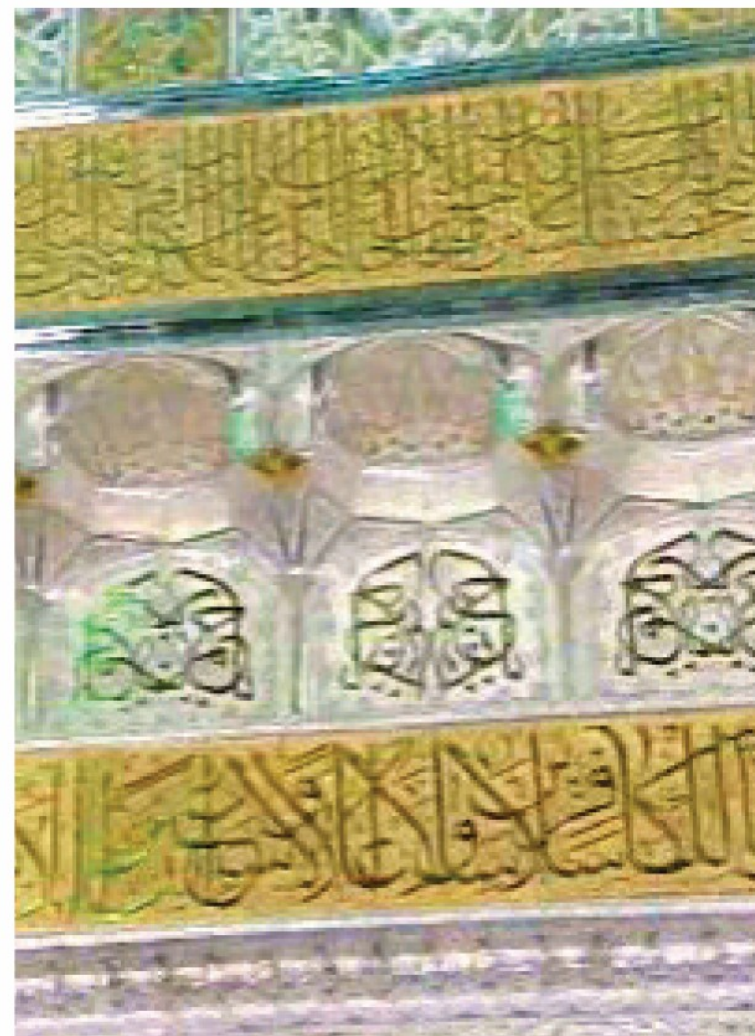
کاشی هفت‌رنگ



کاشی معرق



کرنا



کتیبه



کشیک‌خانه



کفشداران



گره



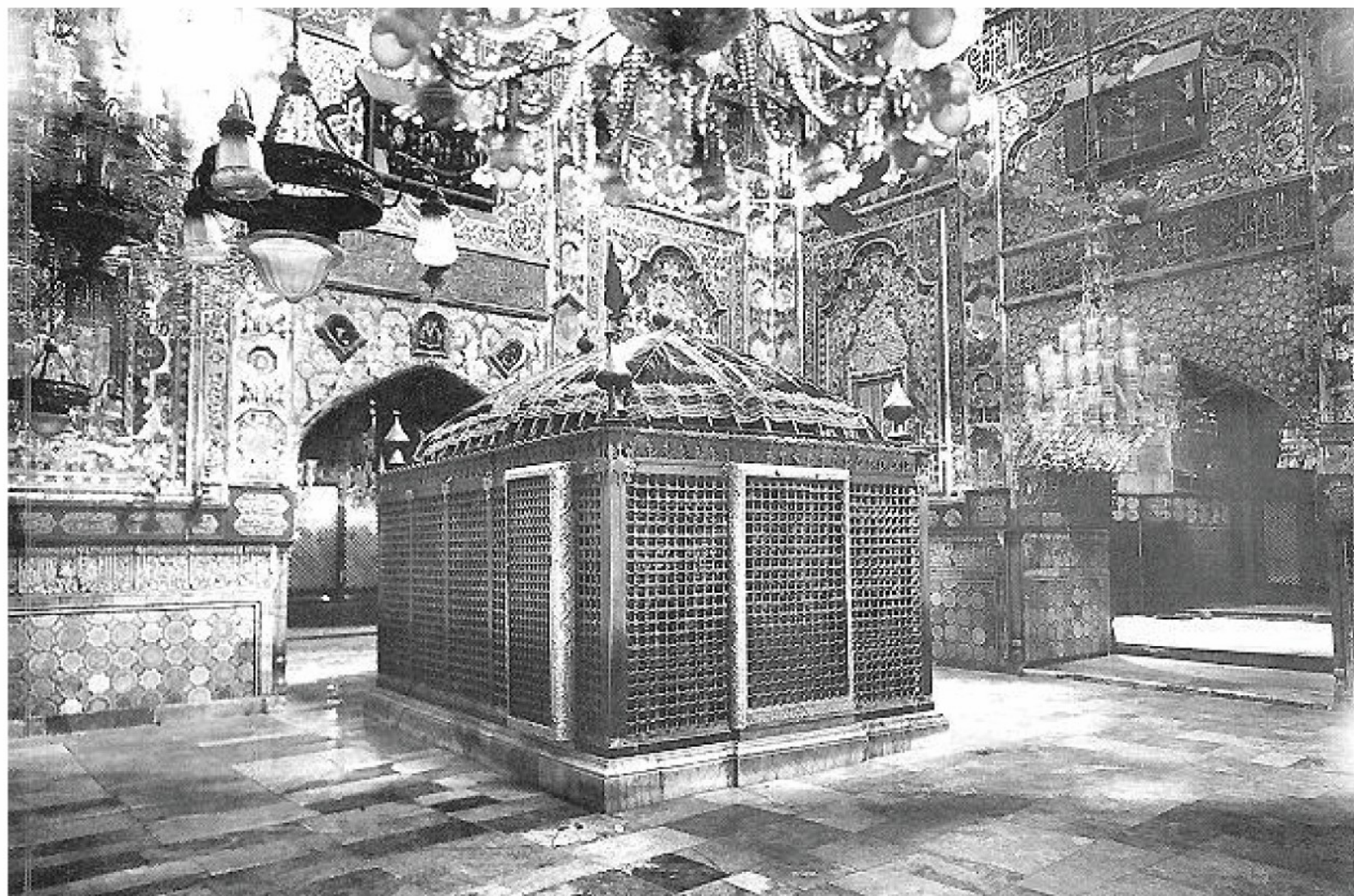
گنبد



محراب



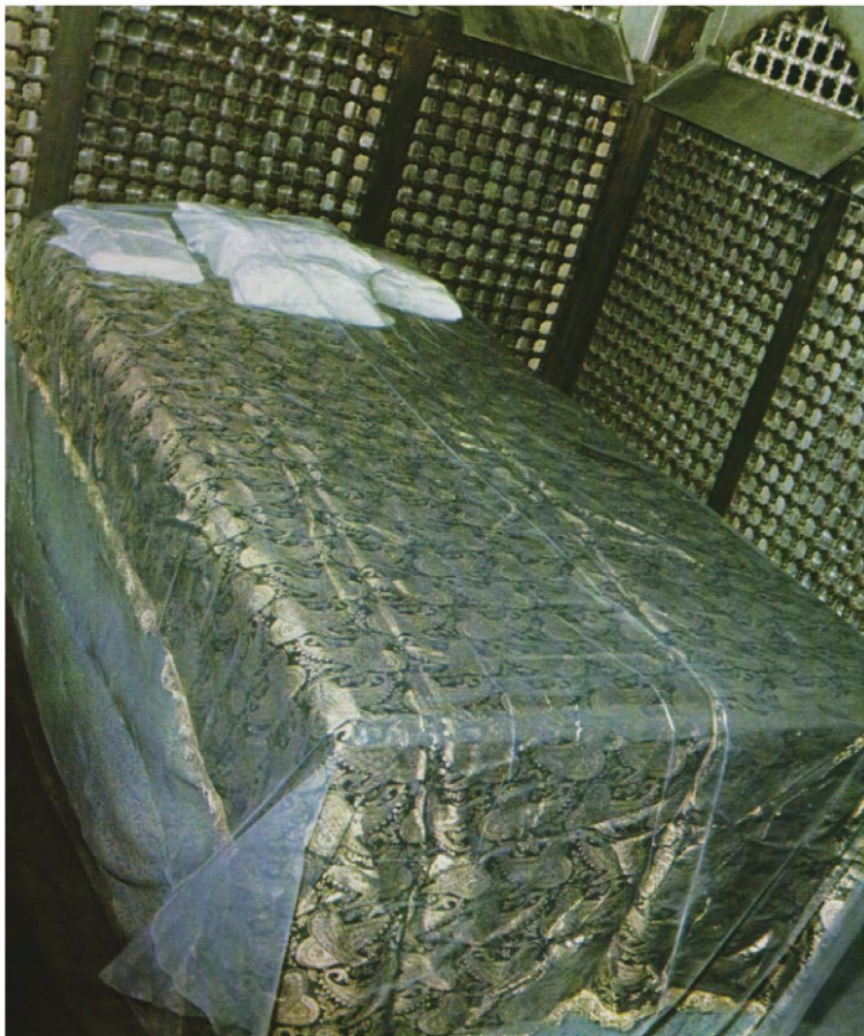
لوتر



مَرَصَع



مسجد



مدفن



مقبره



مقرنس



مقصوره



مناره



نقاره



منبت کاری



ناظم



یساول



نقاره‌خانه

نسخه دیجیتال رهنما

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام
فروشگاه عرضه محصولات رضوی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.